

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت روزنامه

سه‌شنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۴ • ۱۲ محرم ۱۴۴۷ • ۸ جولای ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۵۰ • ۱۲ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۰۹ • اذان مغرب ۱۹:۴۴ • اذان صبح فردا ۳:۰۲ • طلوع آفتاب ۴:۵۶

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

یادداشت

مستولان صدای مردم را بشنوند



حامد خاتجانی

قبیل از جنگ هم زندگی در این کشور با دشواری‌های روزمره همراه بود؛ شرایط اقتصادی ثبات نداشت، دلار مدت‌ها بود رکورد می‌زد و هر روز بر نگرانی‌های مردم افزوده می‌شد. در سال‌های اخیر، مسکن آن‌قدر گران شده بود که آنهایی که خانه نداشتند، دیگر خواب خانه‌دارشدن هم نمی‌دیدند. آنها که تحصیلات و تخصص داشتند، تمام سال را می‌دویدند تا حداقل بتوانند اجاره خانه‌ای را که در آن زندگی می‌کردند، برای سال بعد تمدید کنند. قشری که کارهای متفرقه و آزاد انجام می‌دادند و درآمدشان تنها کفاف هزینه‌های روزانه را می‌داد، در شرایط سخت‌تری به سر می‌بردند. باین‌حال، هنوز اندکی امید وجود داشت؛ امید به اینکه زندگی جریان دارد و شاید روزی اوضاع بهتر شود. اما حالا، بعد از این جنگ اخیر، همه چیز به‌مراتب سخت‌تر به نظر می‌رسد. جنگ، حتی اگر کوتاه باشد، آسیب‌های عمیقی بر روان جامعه وارد می‌کند. ترس از آینده، ناامنی و اضطراب دائمی، روحیه مردم را تضعیف می‌کند. در شرایط فعلی، هیچ‌کس نمی‌داند فردا چه خواهد شد. آیا جنگ دوباره شعله‌ور می‌شود؟ آیا تحریم‌ها تشدید خواهد شد؟ آیا قیمت‌ها باز هم افزایش پیدا می‌کند؟ این نبود قطعیت، زندگی را برای مردم دشوارتر کرده است. اما یک چیز واضح است: اگر مسئولان نتوانند در این شرایط حساس، همدلی و همکاری را جایگزین اختلافات کنند، اوضاع از این هم بدتر خواهد شد. در این میان آنچه بیش از همه آزاردهنده است، ادامه اختلافات سیاسی و تدروی‌های بی‌ثمر است. کوبی برخی از مسئولان هنوز هم درک نکرده‌اند که مردم از این کشمکش‌ها خسته شده‌اند. آنچه مردم می‌خواهند، یک زندگی آرام و پیش‌بینی‌پذیر است. زندگی‌ای که در آن بتوانند بدون دغدغه‌های مالی، نیازهای اولیه خود را تأمین کنند. اما متأسفانه، به جای تمرکز بر حل مشکلات، شاهدیم که برخی ترجیح می‌دهند انرژی خود را صرف ادامهٔ منازعات سیاسی کنند. اگر مسئولان واقعا به فکر مردم هستند، باید هر چه سریع‌تر اختلافات را کنار بگذارند و تمام توان خود را برای بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی و ترمیم زخم‌های کهنه و حاصل از جنگ به کار گیرند. کاش در این شرایط سخت، دولت‌مردان به جای بازی‌های سیاسی، به فکر نجات اقتصاد و آرامش مردم باشند. کاش به جای سروش‌گذاشتن بر مشکلات، با صداقت با مردم گفت‌وگو کنند. کاش از نظرات سازنده منتقدان برای بهبود شرایط استفاده کنند. امروز بیش از همیشه نیازمند صداقت، شفافیت و گفت‌وگوی واقعی با مردم هستیم. باید به مردم توضیح داده شود که وضعیت چگونه است، چه برنامه‌ای برای برون‌رفت وجود دارد و چه نقش و مشارکتی از آنها انتظار می‌رود. جامعه‌ای که در بی‌خبری و بلاتکلیفی نگه داشته می‌شود، نمی‌تواند در برابر بحران تاب بیاورد. اما اگر مردم احساس کنند که دیده و شنیده می‌شوند، با سختی‌های موجود کنار خواهند آمد و در بازسازی کشور نقش ایفا خواهند کرد. کاش مسئولان صدای مردم را بشنوند.

هنرخوانی

از فردا فیلم‌های جدید اکران می‌شوند

ایستا: «آتاجا همان ساعت» به کارگردانی سیروس الوند، «عفرانیه ۱۴ تیر» به کارگردانی علی‌هاشمی و «مرد عینکی» به کارگردانی کریم امینی، نام سه فیلمی است که گویا همین روزها نمایش داده می‌شوند. «آتاجا همان ساعت» محصول سال ۱۳۹۷ است که یک بار لغو مجوز شد و یک بار در زمان کرونا قرار بود به صورت آنلاین به نمایش درآید. «عفرانیه ۱۴ تیر» هم پس از چند سال قرار است راهی اکران شود. البته سازندگان این فیلم می‌گویند هنوز تصمیم نهایی از سوی شورای صنفی نمایش برای ایکه‌فیلم از این هفته یا هفته آینده روی پرده روده، اعلام نشده است، باین‌حال احتمال اینکه نهایتاً تا ۲۵ تیرماه این فیلم هم به نمایش درآید زیاد است. فیلم «زن و بچه» به کارگردانی سعید روستایی اما قرار است از مردادماه اکران شود.

بمب را انداختند روی زندان و گفتند «نمادین» بوده است. کارشان همین است؛ زندان می‌زنند، بیمارستان تخریب می‌کنند، خانه‌های مردم را خراب می‌کنند و بعد پشت تریبون‌هایشان می‌روند و با ژست‌های احمقانه انسان‌دوستانه‌شان می‌گویند که با «مردم» کاری نداریم. انکار فقط همین ۷۱ نفری که در حمله به زندان اوین کشته و آتانی که مجروح شدند «مردم» نبودند. انکار آن مددکاران و آن ملاقات‌کننده و آن سربازی که روی برجک نگهبانی می‌داد «مردم» نبودند. انکار آنهایی که با خون دل، زندگی‌ای برای خودشان فراهم کرده بودند، «مردم» نبودند. انکار آن زن گریانی که کودک به خون آغشته‌اش را در آغوش گرفته «مردم» نیست. عیبی هم ندارد اما، همین «مردم» با تمام داغ‌هایشان، با تمام آسیب‌هایی که دیدند، با تمام خون‌هایی که در راه وطن دادند، متجاوز کنونی را چون تمام آن ناپاکانی که در طول تاریخ به این خاک برهیت چشم بد داشتند، سر جای خود می‌نشانند. از همین رو است که «کیوان ساکت»، آهنگ‌ساز و نوازنده نام‌دار موسیقی ایران که خانه‌اش در جوار زندان اوین بود، به‌طور کامل تخریب شد. ۱۰ روز پس از حادثه با اطمینان می‌گوید: «هنوز هم با تمام وجود به هنر، به زندگی و به انسانیت امیدوارم و با انگیزه بیشتر از گذشته کارم را ادامه می‌دهم». این آهنگ‌ساز در گفت‌وگو با «شرق» درباره آن اتفاق می‌گوید: «تخریب خانه، آن‌هم خانه‌ای که سال‌ها در آن نفس کشیده‌ای، موسیقی ساخته‌ای، خاطره پرورنده‌ای و آدم‌هایی در آن رفت‌وآمد داشته‌اند که چراغ فرهنگ و هنر این کشور بوده‌اند، بدون شک برای هیچ‌کس خوشایند نیست. در حمله به زندان اوین، ساختمان ما آسیب بسیار گسترده‌ای دید و تقریباً تمام درهای ورودی، پنجره‌ها، درهای داخلی، دیوارها و سقف‌های هر ۲۶ واحدی که در آن وجود داشت، صدمه دید. خانه عملاً غیرقابل سکونت شده است و تمام وسایل خانه در کنار اسناد، کتاب‌ها، آلات موسیقی و همه‌چیز از بین رفته است. در این مدت نیز ما فقط توانستیم مقداری از نخاله‌های ساختمانی را

بیرون ببریم و نظافت ابتدایی انجام دهیم، اما چیزی که اندوه مرا عمیق‌تر کرد، اتفاقی بود که همان شب افتاد. در حالی که بسیاری از خانه‌ها حتی در نداشتند و از امنیت ابتدایی هم محروم بودند، خانه‌مان مورد سرقت قرار گرفت. باورم نمی‌شود، در همان شبی که خانه‌ای به‌ه خاطر جنگ ویران شده است، عده‌ای بیایند و به‌جای کمک، دزدی کنند. نمی‌دانم این مسئله را چگونه باید توصیف کرد. واقعا زبان قاصر است. اما به هر حال، کاری است که شده».

آهنگ‌ساز موسیقی اصیل ایرانی ادامه می‌دهد: «در این روزهای تلخ، سعی کرده‌ام به خودم اجازه ندهم در غم خانه‌ام بمانم. خودم در جای هم‌وطنانی می‌گذارم که عزیزان و جان خود را از دست داده‌اند. با خودم عهد کرده‌ام که اندوه را به دل راه ندهم، چون اندوه من در برابر داغ آنان هیچ است».

او ادامه می‌دهد: «من اعتقاد دارم هر انسانی دو خانه دارد؛ یکی خانه‌ای از خشت و گل و دیگری خانه‌ای از جان و دل. اگر خانه اول ویران شود، می‌توان بار دیگر، هرچند دشوار، آن را ساخت. اما اگر خانه دوم خراب شود، دیگر هرگز قابل ترمیم نیست. در این جنگ، خانه خشت و گل من آسیبی جدی دید، اما خانه جان و دلم همچنان استوار و پایرجاست».

«حال با خاطرات این خانه چه می‌کنید؟» وقتی این سؤال را می‌پرسم، کیوان ساکت لحظه‌ای تأمل می‌کند و می‌گوید: «این خانه فقط یک محل سکونت نبود؛ پناهگاهی برای فرهنگ و هنر بود. در این خانه بزرگانی مانند سیمین بهبهانی، احسان نراقی، حسن ناهید و بسیاری دیگر رفت‌وآمد داشتند. شب‌هایی پر از شعر، موسیقی، آواز و گفت‌وگوهای روشنفکرانه

بیانیه

هشدار فعالان مدنی و حقوق بشری به کنگره آمریکا

از نتانیاهو فاصله بگیرید، به دیپلماسی بازگردید

شما سوگند خورده‌اید که از آرمان‌های بنیان‌گذاران آمریکا برای مدارا و صلح دفاع کنید. ولی آقای ترامپ در مقام رئیس‌جمهور کنونی ایالات متحده، در حمایت از اسرائیل به کشوری حمله کرد که در طول بیش از دو قرن گذشته، هرگز آغازگر هیچ جنگی نبوده است؛ حال آنکه حاکمیت اسرائیل در روند ۷۰ سال گذشته و به‌ویژه دولت راست‌گرای نتانیاهو در دو سال اخیر، نه‌تنها همواره در چارچوب سیاست‌های جنگ‌طلبانه و تولید خشونت و تروربسم دولتی و سازمان‌یافته عمل کرده‌اند، بلکه به تأیید دیوان دادگستری بین‌المللی لاهه، بارها و به‌طور مستمر، مرتکب نقض گسترده حقوق بشر، نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، کوچ اجباری، آوارگی و سلب اجباری تابعیت از ملت فلسطین شده‌اند. در هفته‌های اخیر نیز اسرائیل به بهانه دسترسی قریب‌الوقوع ایران به تسلیحات نامتعارف هسته‌ای، آغازگر جنگ بود و این ادعا نتهت‌ها در تضاد با گزارش سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا مطرح شد، بلکه حتی دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در بحبوحه جنگ و در جلسه شورای امنیت اعلام کرد که «هیچ دلیلی برای تلاش ایران در دستیابی به بمب اتم در دست نداریم». این جنگ، در میانه مذاکرات جاری دیپلماتیک میان ایران و آمریکا و در‌سرت در زمانی رخ داد که بیش از گذشته، احتمال دستیابی به یک راه‌حل سیاسی و توافق صلح‌آمیز هسته‌ای وجود داشت و در نهایت، افزون بر تعلیق روند دیپلماسی، منجر به تخریب وسیع مناطق مسکونی، ترور مقامات رسمی نظامی، دانشمندان و کشتار نزدیک به هزار نفر از شهروندان غیرنظامی ایران در طول ۱۲ روز و بمباران زندان اوین شد که مصداق آشکار «جنایت جنگی» به شمار می‌رود. در کمال تأسف باید یادآوری کرد که بلافاصله پس از این واقعه هولناک، رسماً اعلام شد که مقدمات این جنگ از مدت‌ها پیش تدارک دیده شده است. این اقرار رسمی دولت اسرائیل که به تأیید مقامات ارشد سیاسی دولت ترامپ هم رسید، نشان می‌دهد که در روند گفت‌وگوهای دیپلماتیک، صداقتی وجود نداشته است.

حمایت‌های سیاسی، مالی و نظامی دولت آمریکا از اسرائیل در طول هفت دهه گذشته، نه‌تنها در چارچوب ضرورت‌های بنیادین منافع ملی آمریکا و برنامه راهبردی آمریکا در قبال ایران قابل تفسیر نیست و



همزمان با ظهر عاشورا، هیئت حسین جان پنجورد مطابق رسم هر سال خود، ۷۲ دیگ غذای نذری به نایاب از شهدای کرپلا طبخ و توزیع کرد. عکس: پیمان حمیدی‌پور، میزان

یادداشت

رئیس‌جمهور ترامپ و چالش‌های عظیم برای دموکراسی



کیکاوس پورایوبی

در زمان دونالد ترامپ خاک مرده بر دموکراسی و لیبرالیسم پاشیده‌اند و هر روز شاهد مرگ دموکراسی در ایالات متحده آمریکا هستیم. این اتفاق نه برای آمریکا، بلکه برای کل جهان آزاد که آمریکا را حامی و پشتیبان خود می‌دانستند نیز قابل تسری است. ترامپ هیچ زمانی از دموکراسی و لیبرالیسم فردی سخن نگفته و خود را در خدمت ترویج جهان آزاد ندانسته، هیچ‌وقت از آزادی بیان و قلم دفاع نکرده است، در عوض همیشه و در هر زمانی به اصحاب رسانه‌های مستقل، خبرنگاران، روزنامه‌نگاران، ژورنالیست‌های حرفه‌ای و اخبار آزاد تاخته و با زشت‌ترین الفاظ آنان را به باد سخره گرفته است. او صدای آزاد و اطلاعات آزاد را که تأمین‌کننده منافعی نباشد، دشمن خود دانسته و سعی در سرکوب آنان دارد. با برچسب‌زدن مخالفان به نام کمونیست‌های کثیف و عقب‌مانده، فضای اوایل دهه ۱۹۵۰ را در جامعه آمریکا مهیا کرده است. دوران چالش با شوروی و طرح دکترین مک‌کارتریسم برای مهار ربقا و ترس از افکار چپ‌گرا و کمونیستی که در آن زمان شهره خاص و عام بود، هیچ‌وقت خود و آمریکا را پرچمدار مبارزه با کمونسیون‌های بین‌المللی که مدافع حقوق انسانی و جامعه مدنی جهانی‌اند، معرفی نکرده است. کمتر رئیس‌جمهوری در ایالات متحده تا این اندازه، میانه‌ای بد با دموکراسی داشته است و اگر هم سیاست‌های امپریالیستی داشته‌اند، سعی می‌کردند در لوی اف‌دفاع از دموکراسی و به حمایت از جامعه لیبرال، خود را معرفی کنند، اما ظاهر ترامپ نیز چنین چیزی را نشان نمی‌دهد. او مظهر خوندنمایی سه شعار فیلسوف معروف اروپایی یعنی نیکولو ماکیاولی است؛ کسب قدرت، شهرت، ثروت. اکنون باید ببندیم او هر سه بُعد این اصول و روش دستوری ماکیاولی را داراست. چانه‌زنی برای تصاحب قدرت در روزی که جو بایدن دموکرات در انتخابات رئیس‌جمهوری پیروز شد، ترمیم تا جایی پیش رفت که همه ایالات متحده را به آشوب کشاند، طرفداران او با خشونت تمام صحن کنگره را تصاحب کردند و تا آخرین روز زمامداری جو بایدن او را به‌عنوان رئیس‌جمهور منتخب به رسمیت نپذیرفت. قدرت برای او بسیار شیرین است و به هر در دیواری می‌زند تا برای بار سوم رئیس‌جمهور آمریکا شود. در تاریخ آمریکا روزولت قانون نانوشته محدودیت دو دوره‌ای مدت ریاست‌جمهوری آمریکا را زیر پا گذاشت، اما حمایت از این هنجار دیرینه چنان قوی بود که در سال ۱۹۴۷، یعنی کمتر از دو سال پس از مرگ روزولت، ائتلافی متشکل از اعضای هر دو حزب در کنگره، متمم بیست‌ودوم قانون اساسی را از تصویب گذراند، به‌این‌ترتیب محدودیت دودوره‌ای در قانون اساسی کنگزانه شد. اکنون ترامپ درصدد آن است تا دوباره قانون را دور زده و بساط سلطه‌اش را گسترش دهد. در نمایش شهرت یازاند خاص و عام است. نتویت‌های می‌منا که مدام همدیگر را نقض می‌کنند، جلوه‌هایی از یک نمایش مضحک است که پرت‌ر آن در تاریخ مدرن باقی خواهد ماند. شعارهای بی‌اساس که فضا را آکنده کرده است و الفاظی که در شان یک رئیس‌جمهور نیست، همیشه بر زبانش جاری است.

هدف کسب شهرت است. در ثروت‌اندوزی ترامپ همین بس که او همه دنیا را بر از کنجی می‌بیند که صاحب ندارد و باید آن را تصاحب کرد و به آمریکا انتقال داد. رفتار او با کل دنیا همین‌طور است. از صلح زیاد صحبت می‌کند اما هیچ‌نگاهی به صلح دموکرات ایمانوئل کانت ندارد و آن را بیشتر از یک خیال‌بافی فلسفی نمی‌داند؛ صلح فرمایشی و کاغذی، او کجا توانسته صلح برقرار کند؛ غزه، روسیه و اوکراین، یا در دستور حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران؟ درست است؛ هیچ کجا، برای او اروپا یک شریک قابل اعتماد نیست و جایگاهش به‌شدت تنزل یافته است. اگر در ناتو حضور دارد، اول از همه اینکه ناتو باید سهم خود را در برابر مسائل امنیتی، دفاعی، لجستیکی، تدافعی و... افزایش دهد، در ثانی در مقابل قدرت‌طلبی‌های روسیه، چین و... بایسته، نه اینکه مدافع و سنگر حقوق بشر و آزادی‌های انسانی در جهان باشد. برای او خاورمیانه و شبکه‌های نفت و انرژی‌اش بسیار باعظمت‌تر از ژست‌های دموکراسی‌طلبی اروپاست.

داشتیم؛ خاطراتی ناب و بی‌تکرار، اما حتی اگر دیوارها سوخته باشند، خاطره نمی‌سوزد. باور دارم هرچند خشت و گل ریخته‌اند، اما چیزی در درون من باقی است که نمی‌سوزد؛ همان «خانه دل» که هنوز پایرجاست. با این سرمایه، با ایمان به هنر، با عشق به مردم، راه را ادامه می‌دهم». البته آن جنگ ۱۲روزه تأثیرات خود را بر روح و روان تمامی ایرانیان گذاشته است و به‌هیچ‌روی نمی‌توان این مسئله را کتمان کرد، به همین دلیل است که خالق «بشرق اندوه» می‌گوید: «آدمی از شرایط پیرامون خود تأثیر می‌گیرد. جنگ بدترین اتفاقی است که می‌تواند رخ دهد و طبیعی است که تمام ایرانیان از جان‌های عزیزی که در این مدت از دست رفتند، متأثر هستند. حال روحی من هم خوب نیست. چطور می‌شود خوب بود وقتی می‌دانی در همین حملات، سربازانی در برجک جان خود را از دست داده‌اند؟ وقتی خانواده‌هایی هستند که دیگر حتی پیکر عزیزشان را هم ندیده‌اند؟ من در برابر آنها احساس می‌کنم هیچ رنجی ندارم. به همین خاطر بعد از تخریب خانه سعی کردم اندوه به دلم راه ندهم، من باور دارم باید دوباره ایستاد. آدمی باید در سخت‌ترین لحظه‌ها قوی بماند تا بتواند به اطرافیانش امید بدهد. حالا وظیفه من است که با قدرت ادامه دهم».

او در ادامه می‌گوید: «آرزویم این است که روزی سایه جنگ از سر همه ملت‌ها کنار برود. آرزو دارم کسانی که جنگ‌افروزی می‌کنند، که از درد مردم نفع می‌برند و بر خون انسان‌ها معامله می‌کنند، هرچه زودتر از صحنه تاریخ محو شوند».

پیش از بمباران زندان، ساکنان آن تقریباً خانه را خالی کرده بودند، اما زن و شوهری که سرایدار این خانه بوده‌اند، به‌شدت مجروح شده‌اند، اگرچه آقای ساکت می‌گوید خوشبختانه حالا حالشان خوب است. او سخنان خود را با این جمله به پایان می‌برد: «امیدوارم سایه جنگ برای همیشه از آسمان همه انسان‌ها برداشته شود».

دقیقا در راستای هدف راهبردی دولت اسرائیل مبنی بر براندازی نظام جمهوری اسلامی و تجزیه ایران قرار دارد، بلکه به اعتبار حقوقی قانون اساسی و جایگاه اخلاقی ملت و کشور آمریکا در افکار عمومی مردم جهان آسیب جدی وارد ساخته است. از این‌رو، انتظار می‌رود که شما به‌عنوان نمایندگان مردم آمریکا نباید اجازه دهید یک سیاست‌مدار بدنام سال‌های اخیر، نه‌تنها همواره در چارچوب سیاست‌های جنگ‌طلبانه و تولید خشونت و تروربسم دولتی و سازمان‌یافته عمل کرده‌اند، بلکه به تأیید دیوان دادگستری بین‌المللی لاهه، بارها و به‌طور مستمر، مرتکب نقض گسترده حقوق بشر، نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، کوچ اجباری، آوارگی و سلب اجباری تابعیت از ملت فلسطین شده‌اند. در هفته‌های اخیر نیز اسرائیل به بهانه دسترسی قریب‌الوقوع ایران به تسلیحات نامتعارف هسته‌ای، آغازگر جنگ بود و این ادعا نتهت‌ها در تضاد با گزارش سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا مطرح شد، بلکه حتی دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در بحبوحه جنگ و در جلسه شورای امنیت اعلام کرد که «هیچ

دلیلی برای تلاش ایران در دستیابی به بمب اتم در دست نداریم». این جنگ، در میانه مذاکرات جاری دیپلماتیک میان ایران و آمریکا و در‌سرت در زمانی رخ داد که بیش از گذشته، احتمال دستیابی به یک راه‌حل سیاسی و توافق صلح‌آمیز هسته‌ای وجود داشت و در نهایت، افزون بر تعلیق روند دیپلماسی، منجر به تخریب وسیع مناطق مسکونی، ترور مقامات رسمی نظامی، دانشمندان و کشتار نزدیک به هزار نفر از شهروندان غیرنظامی ایران در طول ۱۲ روز و بمباران زندان اوین شد که مصداق آشکار «جنایت جنگی» به شمار می‌رود. در کمال تأسف باید یادآوری کرد که بلافاصله پس از این واقعه هولناک، رسماً اعلام شد که مقدمات این جنگ از مدت‌ها پیش تدارک دیده شده است. این اقرار رسمی دولت اسرائیل که به تأیید مقامات ارشد سیاسی دولت ترامپ هم رسید، نشان می‌دهد که در روند گفت‌وگوهای دیپلماتیک، صداقتی وجود نداشته است.

حمایت‌های سیاسی، مالی و نظامی دولت آمریکا از اسرائیل در طول هفت دهه گذشته، نه‌تنها در چارچوب ضرورت‌های بنیادین منافع ملی آمریکا و برنامه راهبردی آمریکا در قبال ایران قابل تفسیر نیست و

۱۵۰ هزار زائر

از ابتدای ماه محرم تا الان حدود ۱۵۰ هزار زائر از مرز مهران تردد داشتند. استاندار ایلام در این زمینه اعلام کرده است: هیچ‌گونه مشکلی در مرز مهران وجود ندارد و خدمت‌رسانی در حال انجام است.

۴ منطقه

رئیس سازمان محیط زست استان تهران از ورود دادستانی و سازمان بازرسی کشور به پرونده خشک‌شدن درختان در نقاط مختلف تهران ازجمله چهار منطقه ولیعصر، چیتگر، سرخه‌حصار و پارک ملی خجیر خبر داد.

۲۶۳ شهید

تاکون پیکر مطهر ۲۶۳ شهید حمله اسرائیل به ایران، در تهران به خاک سپرده شده است. در این بین هشت خانواده سه شهید، دو خانواده چهار شهید و یک خانواده پنج شهید از اعضای خود را از دست داده‌اند.